

**نویسنده:** ویجی پراشاد «V.Prashad». وروجر مکانزی  
**منبع و تاریخ نشر:** نیوز کلک «2022-04-19»  
**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

---

# نظر: اکنون زمان عدم انسلاک و صلح است

**Opinion: Now is the Time for Nonalignment  
and Peace**

جنگ ها معضلات بزرگ بشریت را حل نمی کند. ایده های عدم همسویی و صلح برای کودکانی که می خواهند غذا بخورند و یاد بگیرند، بازی کنند و رویا ببینند پاسخ هایی دارد.



**ارسال تصویر: مردمی**

جنگ بخش زشتی از تجربه بشر است. همه چیز در مورد آن وحشتناک است. جنگ به وضوح عمل تهاجم و وحشیگری است که همراه با عملیات آن است. هیچ جنگی دقیق نیست. هر جنگی به غیرنظامیان آسیب می زند. هر عمل بمباران یک لرزش عصبی را در جامعه ایجاد می کند.

جنگ جهانی دوم این زشتی را در **هولوکاست** و بمباران اتمی **هیروشیما** و **ناکازاکی** نشان داد. از **هیروشیما** و **هولوکاست**، دو جنبش قدرتمند برخاستند، یکی برای صلح و علیه خطرات حملات هسته‌ای بیشتر، و دیگری برای پایان دادن به تقسیمات بشریت و برای عدم تعهد از این تقسیمات یا دیویژن. درخواست استکهلم در سال 1950 که توسط 300 میلیون نفر امضا شد، خواستار ممنوعیت مطلق سلاح‌های هسته‌ای شد.

پنج سال بعد، 29 کشور از آفریقا و آسیا، که 54 درصد از جمعیت جهان را نمایندگی می‌کنند، در **باندونگ، اندونزی** گرد هم آمدند تا یک تعهد 10 ماده‌ای را علیه جنگ و برای «ارتقای منافع و همکاری متقابل» امضا کنند. روح **باندونگ** برای صلح و عدم تعهد بود، برای اینکه مردم جهان تلاش کنند تا با استفاده از ثروت اجتماعی خود، بارهای تاریخ (بی‌سوادی، بیماری، گرسنگی) را ریشه کن کنند. چرا باید برای تسلیحات هسته‌ای پول خرج کرد در حالی که پول باید صرف کلاس‌های درس و بیمارستان شود؟ علیرغم دستاوردهای عمده بسیاری از ملل جدید که از استعمار بیرون آمده بودند، نیروی غالب قدرت‌های استعماری قدیمی مانع از آن شد که روح **باندونگ** تاریخ بشر را تعریف کند. در عوض، تمدن جنگ غالب شد. این تمدن جنگ در هدر دادن عظیم ثروت انسانی در تولید نیروهای مسلح - که برای نابودی صدها سیاره کافی است - و استفاده از این نیروهای مسلح به عنوان اولین گزینه برای حل و فصل اختلافات آشکار می‌شود.

از دهه 1950، میدان نبرد این جا به طلبی‌ها در اروپا یا آمریکای شمالی نبوده است، بلکه در آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین بوده است - مناطقی از جهان که حساسیت‌های استعماری قدیمی معتقد است که زندگی انسان از اهمیت کمتری برخوردار است. این تقسیم بین‌المللی بشریت - که می‌گوید جنگ در یمن عادی است، در حالی که جنگ در اوکراین وحشتناک است - زمان ما را مشخص می‌کند.

«40». جنگ در سراسر جهان در حال وقوع است. نیاز به اراده سیاسی برای مبارزه برای پایان دادن به هر یک از اینها وجود دارد، نه فقط آنهایی که در اروپا اتفاق می‌افتد. پرچم اوکراین در غرب در همه جا حاضر است. رنگ پرچم یمن، پرچم صحرا و پرچم سومالی چیست؟

## **بازگشت به صلح، بازگشت به عدم تعهد:**

ما این روزها غرق در قطعیت‌هایی «یا آنچه که مسلم است» هستیم که کمتر و کمتر واقعی به نظر می‌رسند. با ادامه جنگ روسیه در اوکراین، دیدگاه گیج‌کننده‌ای وجود دارد که مذاکرات بیهوده است. این دیدگاه حتی زمانی که افراد معقول توافق می‌کنند که همه جنگ‌ها باید به مذاکره ختم شود، پخش می‌شود. اگر چنین است، پس چرا خواستار آتش‌بس فوری و ایجاد اعتماد لازم برای مذاکرات نمی‌شویم؟ مذاکرات تنها در صورتی امکان پذیر است که از همه طرف‌ها احترام وجود داشته باشد و تلاش برای درک این موضوع باشد که همه طرف‌های درگیری نظامی خواسته‌های معقولی دارند. در واقع،

ترسیم این جنگ به عنوان هوس های ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه، بخشی از تمرین جنگ دائمی است. تضمین های امنیتی برای اوکراین ضروری است. اما ضمانت های امنیتی برای روسیه که شامل بازگشت به یک رژیم جدی کنترل تسلیحات بین المللی می شود نیز همینطور است.

صلح فقط به این دلیل نیست که ما آن را آرزو می کنیم. مبارزه در سنگر اندیشه ها و نهادها می طلبد. نیروهای سیاسی در قدرت از جنگ سود می برند، و از این رو، لباس ماچیزم را به تن می کنند تا نشان دهند دلالتان اسلحه که خواهان جنگ بیشتر هستند، نه کمتر. این افراد در لباس آبی بوروکراسی ناپدید در مورد آینده جهان اعتماد کنند. آنها در مورد فاجعه آب و هوایی ما را شکست می دهند. وقتی نوبت به همه گیری می شود، ما را شکست می دهند. وقتی صحبت از صلح به میان می آید ما را ناکام می گذارند. ما با بد ارواح قدیمی صلح و عدم تعهد را احضار کنیم و آنها را در جنبش های توده ای که تنها امید این سیاره هستند زنده کنیم.

بازگشت به گذشته برای روح بخشیدن به جنبش غیرمتعهدهای امروزی صرفاً احساساتی نیست. در حال حاضر تضادهای کنونی شبح عدم تعهد را در بخش هایی از آفریقا، آسیا و آمریکای لاتین افزایش داده است. اکثر این کشورها نه به این دلیل که از جنگ روسیه در اوکراین حمایت می کنند، بلکه به این دلیل که می دانند قطبی سازی یک اشتباه مهلک است، به محکومیت روسیه رای منفی دادند. آنچه مورد نیاز است جایگزینی برای دنیای دو اردوگاهی جنگ سرد است. به همین دلیل است که بسیاری از رهبران این کشورها - از شی جین پینگ چین گرفته تا نارندرا مودی از هند و سیریل رامافوزا از آفریقای جنوبی - علیرغم جهت گیری های سیاسی بسیار متفاوت خود، خواستار خروج از "ذهنیت جنگ سرد" شده اند. آنها در حال حاضر به سمت یک پلت فرم جدید غیر همسو یا عدم انسلاک حرکت می کنند. این حرکت واقعی تاریخ است که ما را به تفکر در مورد بازگشت به مفاهیم عدم تعهد و صلح برمی انگیزد.

هیچ کس نمی خواهد پیامدهای کامل محاصره چین و روسیه توسط ایالات متحده و متحدانش را تصور کند. حتی کشورهایی که متحد نزدیک با ایالات متحده هستند - مانند آلمان و ژاپن - می دانند که اگر پرده آهنین یا حصار جدیدی در اطراف چین و روسیه فرود بیاید، یا حصارکشی شود برای کشورهای خودشان کشنده خواهد بود.

در حال حاضر، جنگ و تحریمها بحران های سیاسی جدی در هندوراس، پاکستان، پرو و سری لانکا ایجاد کرده اند که با افزایش نجومی قیمت های مواد غذایی و سوخت، بحران های دیگری را در پی خواهد داشت. جنگ برای کشورهای فقیرتر بسیار گران است. خرج کردن برای جنگ روح انسان را می خورد و خود جنگ احساس ناامیدی عمومی مردم را افزایش می دهد. گرمکن ها یا آنها یک به آتش جنگ بکه میزنند ایده آلیست هستند. جنگ های آنها معضلات اصلی بشریت را حل نمی کند. از سوی

دیگر، ایده های عدم تعهد و صلح واقع بینانه است. چارچوب آنها پاسخ هایی به کودکانی دارد که می خواهند بخورند و یاد بگیرند، بازی کنند و رویا ببینند.

## چند سطری در مورد نویسنده های این مقاله :

**راجر مکنزی** گزارشگر ستاره صبح است. او دبیرکل لیبراسیون، یکی از قدیمی ترین سازمان های حقوق بشر بریتانیا است.

**ویجی پراشاد** مورخ، سردبیر و روزنامه نگار هندی است. او یک نویسنده و خبرنگار ارشد در **Globetrotter** است. او سردبیر **LeftWord Books** و مدیر **Tricontinental: Institute for Social Research** است. او یک عضو ارشد غیر مقیم در موسسه مطالعات مالی **Chongyang**، دانشگاه رنمین چین است.

----- **با تقدیم سلامها** «2022-04-26»